

ویژگیهای منابع مالی دولت اسلامی و اثر آن بر سرمایه گذاری اقتصادی

مجید رضایی دوانی*

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۱

تاریخ پذیرش: ۸۷/۳/۱۲

چکیده

تشخیص تفاوت آثار مالیات های اسلامی بر سرمایه گذاری و مالیات های مرسوم منوط به شناخت ویژگیها و تفاوت های آن دو است. مقاله با بیان انواع منابع مالی دولت اسلامی و خصوصیات هر یک، اولاً نشان می دهد که نرخ پایین، ثبات و عبادی بودن از بروز عدم کارایی جلوگیری می کند. ثانیاً، اثر خمس و زکات بر سرمایه گذاری تفاوت دارد. ثالثاً، برخی از مالیات ها مثل مالیات بر مصرف یا دستمزد در میان مالیات های شرعی وجود ندارد. رابعاً، ممکن است اثر مالیات حکومتی در محیط اسلامی مشابه اثر آن با مالیات های مرسوم از بعد نظری باشد. در پایان، اثر مالیات های شرعی بر سرمایه گذاری بررسی و نشان داده شده که به صورت مختلف از سرمایه گذاری حمایت کرده است.

واژگان کلیدی:

منابع مالی دولت اسلامی، مالیات های اسلامی و ویژگی ها، اثر مالیات های اسلامی بر سرمایه گذاری

* عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید قم

مقدمه

دولت اسلامی منابع مالی متعددی در اختیار دارد، برخی مشابه مالیاتهای مرسوم و برخی درآمد ناشی از دارایی هاست. زکات، خمس، عشور و جزیه مشابه مالیات و انفال شامل انواع دارایی و خراج درآمد ناشی از دارایی است. برای بررسی اثر آن بر سرمایه‌گذاری ابتدا خصوصیات منابع مالی را متذکر می‌شویم و تفاوت‌های اساسی آن با مالیات‌های حکومتی را بیان می‌کنیم و سپس، اثر مستقیم منابع مالی دولت اسلامی بر متغیرهای اقتصادی و اثر غیر مستقیم آن بر سرمایه‌گذاری را توضیح خواهیم داد. لازم به ذکر است خصوصیات منابع مالی از لابلای آثار محققان اسلامی بدست آمده و به اختصار به آن می‌پردازیم. فرض می‌کنیم که مخاطب مقاله آشنایی نسبی با منابع مالی دارد و به این جهت، از تعاریف اولیه و موارد تعلق زکات و خمس و مانند آن صرف نظر می‌کنیم.

اول- ویژگی‌های منابع مالی دولت اسلامی

الف- زکات

۱- زکات تمام خصوصیات مالیات را ندارد. با توجه به عبادی بودن آن و داشتن نرخ ثابت که معمولاً مالیاتها چنین نیستند، نمی‌توان گفت زکات دقیقاً مالیات است ولی مشابهتهایی با مالیات دارد. اجباری بودن، یک طرفه بودن، داشتن مصارف معین، سالیانه بودن و داشتن معافیت خاص از آن جمله است. اجازه مصرف زکات در موارد آن از طرف حاکم و یا پرداخت داوطلبانه و اعتماد به تشخیص مودی نمی‌تواند مانع انطباق مالیات بر زکات باشد.^۱

۲- نرخ زکات بطور میانگین از ۱٪ تا ۱۰٪ است. گوسفند ۱٪، گاو و شتر ۲٪، طلا و نقره ۲/۵٪، محصولات دیم ۵٪، محصولات آبی ۱۰٪ است. نرخهای مذکور با توجه به حد نصاب از کمترین نرخهای مالیاتی است و در مقایسه با نرخهای مالیات بردرآمد یا ثروت پایین‌تر است.^۲

۳- نرخهای زکات تناسبی است و توصیه‌های جدید سازمانهای بین‌المللی در رویکرد به مالیاتهای تناسبی مؤید صحت کارایی این نرخها است. نرخهای تصاعدی با کارایی کاملاً در تضاد و نرخهای تنازلی

۱- نظام مالیاتی اسلام، ص ۵۵-۵۹.

۲- ص ۵۹-۶۵-۲ رک به: نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی،

با عدالت ناسازگار است.^۳

۴- زکات به ثروت (انعام ثلاثه و نقدین) و درآمد (غلات اربعه) تعلق می‌گیرد. پایه مالیاتی آن متعدد است. تعدد پایه‌های مالیاتی از محسنات نظام مالی است.

۵- زکات نصاب معین داشته و از معافیت مالیاتی برخوردار است. این امر به عدالت اقتصادی کمک می‌کند.

۶- عبادی بودن زکات پرداخت آن را برای مؤمنان راحت تر و سهل تر می‌سازد و افراد زکات را هزینه تلقی نمی‌کنند.

۷- مصارف معین زکات باعث می‌شود اموال به موارد خاص تعلق گیرد. تأمین زندگی فقراء و مساکین اولویت دارد و مصارف زکات شامل امور متعدد است که می‌تواند امور ضروری جامعه را پوشش دهد. گرچه مصارف زکات از نظر عنوان معین است ولی برخی از عناوین مثل فی سبیل الله مصادیق متعددی دارد و حاکم در تشخیص موارد با توجه به شرایط زمانی و مکانی مختار است.

۸ - زکات گرچه واجب است ولی حاکم می‌تواند براساس اعتماد به مؤدیان پرداخت آن را به مردم واگذار کند.

۹- در اخذ زکات ضمن اعتماد به مردم منافع آنها نیز در نظر گرفته می‌شود و از روش خود ارزیابی بهره گرفته می‌شود. همانگونه که می‌توان از روش تخمینی یا روش اداری مستقیم استفاده کرد.^۱

۱۰- در شرایطی که وضعیت مؤدیان زکات مناسب نباشد حاکم می‌تواند اخذ زکات را به تأخیر بیندازد. از این رو، زکات نیز می‌تواند ابزار سیاست مالی واقع شود. همچنین در مصارف زکات دولت می‌تواند بر حسب مصالح برخی از مصارف را حذف کند و این نیز نوعی سیاست مالی است.^۲

۱۱- در زکات هزینه تولید معاف است و از این رو، تولیدکننده وضعیت بهتری خواهد داشت. نرخ زکات در غلات دیم و آبی براساس کار و به مقدار کار از زمین است.

۱۲- زکات نقدین مانع راکد ماندن اموال و دارایی است و به گردش مالی و کار تولیدی و تأمین وجوه برای سرمایه‌گذاری کمک می‌کند.

۳- همان، ص ۸۸-۹۴.

۱ - همان، ص ۷۲ و ۷۳.

۲ - مالیه عمومی و خصوصی و سیاست مالی در اسلام ص ۴۲۵.

۱۳- پرداخت زکات منوط به وجود حاکم عادل نیست. در شرایط نبود حاکم عادل نیز مصارف زکات باید تأمین شوند.

۱۴- گرچه زکات واجب متعلق به ۹ مورد است ولی در شرایط ضروری حاکم می‌تواند برخی از موارد مستحب را الزامی کند و باتوجه به خمس، منابع مالی دولت براساس فقه شیعه کمتر از منابع مالی دولت براساس فقه اهل سنت نمی‌شود.^۱

۱۵- امروزه از ۹ مورد زکات فقط غلات اربعه حجم قابل توجهی از زکات را ایجاد می‌کند چون معامله با طلا و نقره مسکوک صورت نمی‌گیرد. انعام ثلاثه نیز معمولاً در بخشی از سال معلوفه هستند. مقدار غلات اربعه نیز گرچه کم نیست ولی بخش کشاورزی معمولاً به صورتهای مختلف تحت حمایت دولت ها قرار می‌گیرد و یارانه‌های مختلف به آنها تخصیص می‌یابد. کمبود زکات را با مالیاتهای حکومتی می‌توان جبران کرد.^۲

ب- خمس

۱- پایه خمس متنوع است. درآمد، ثروت، پس‌انداز، انتقال دارایی همگی مشمول خمس هستند.

۲- نرخ خمس گرچه ۲۰٪ است ولی در ربح کسب پس از معافیت هزینه سالیانه، اگر مالیات خمس را به نسبت درآمد سالیانه حساب کنیم از ۲۰٪ بسیار کمتر است زیرا اگر مقدار پس‌انداز را بطور متوسط ۳۰٪ بدانیم خمس ۳۰٪ پس‌انداز نسبت به درآمد کل ۶٪ است. نرخ ۲۰٪ نیز در قیاس با نرخهای مالیاتی مقدار زیادی نیست. علاوه بر اینکه خمس معدن و غوص در واقع اجاره استفاده از معدن و دریا است و ۲۰٪ غنائم جنگی یا کنز نسبت به آنچه بدست آمده، مبلغ زیادی نیست.

۳- خمس پشتوانه عظیمی برای تدارک هزینه‌های عمومی است زیرا مقدار آن زیاد بوده و امکان دارد که کاملاً در اختیار حاکم قرار گیرد.

۴- خمس دارای نرخ ثابت تناسبی است. از این رو، به کارایی ضرر وارد نمی‌کند و از نظر اجرایی سهولت بیشتری دارد.

۵- خمس برافراد واجب است. بنابراین، به درآمد اشخاص حقوقی تعلق نمی‌گیرد. این امر ممکن

^۱ - مالیات های حکومتی، مشروعیت یا عدم مشروعیت

^۲ - همان

است باعث فرار از خمس شود. افراد با تأسیس شرکتهای حقوقی و انتقال سرمایه به آن از دادن خمس فرار کنند.

۶- خمس به سرمایه تعلق می‌گیرد ولی فقط یکبار. از این رو، نمی‌توان گفت باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود زیرا پس از تبدیل به سرمایه و گذشت سال تعلق می‌گیرد. همچنین هزینه استهلاک نیز طبق نظر برخی فقهاء محاسبه می‌شود.^۱ اگر شخص برای عدم پرداخت خمس اموال را به سرمایه تبدیل نکند، باید آن را به مصرف برساند. مصرف بیش از مقدار شأن خمس دارد و همچنین اگر تبدیل به مصرف شود، سرمایه او افزوده نمی‌شود ولی اگر به سرمایه تبدیل شود گرچه ۲۰٪ خمس می‌پردازد ولی با زایندهی سرمایه قابل جبران است.

۷- مساله مهم خمس بر افزایش قیمت سرمایه محسوس است. اکثر فقها حکم به وجوب خمس آن داده اند ولی برخی افزایش اسمی ناشی از تورم را در صورتی که عرفاً سود تلقی نشود، مشمول خمس نمی‌دانند.^۱

۸- خمس نیز به علت عبادی بودن و نرخ ثابت دقیقاً مالیات نیست ولی مشابهت هایی با آن دارد.

ج- خراج

۱. خراج گرچه در لغت و معنای اصلی آن، درآمد، سود، پاداش، عطیه و محصول زمین است، به تدریج در عرف به معنای مالیات به معنای کلی آن و در عرف خاص به معنای مالیات اراضی به کار رفته است.^۲ در قرآن و احادیث نبوی در همان معنای لغوی به کار رفته ولی به تدریج با فتح عراق و اختلاف درباره مالکیت اراضی فتح شده و تصمیم بر انتقال ملکیت اراضی سواد عراق به مسلمانان و واگذاری آن به اهالی پیشین آن در ازای پرداخت بخشی از محصول یا مبلغی بر حسب مساحت زمین، به مبلغ پرداختی، خراج اطلاق شد و دلیل آن هم اطلاق آن به مالیات بر اراضی در زمان ساسانیان و همچنین تناسب معنای لغوی آن (محصول زمین) با بخشی از محصول زمین بود که به صورت مالیات داده می‌شد؛^۳ بنابراین، خراج حقیقت شرعی ندارد بلکه کلمه‌ای است که در صدر اسلام به تدریج به مالیات بر اراضی

^۱ - باب خمس رساله توضیح المسائل آیت الله منتظری و آیت الله موسوی اردبیلی

^۱ - همان

^۲ - زمین در فقه اسلامی، ج ۲، ص ۱۴ و ۱۵.

^۳ - همان ، و نظام مالی دولتهای مسلمان از ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری ، ص ۱۶۵ - ۱۶۸.

اختصاص یافت.

۲. شاید علت اختصاص خراج به مالیات بر زمین، رونق کشاورزی و برخورداری دولت از مالکیت بر زمین‌های گسترده بود. اگر دولت دیگر اموال دیگری در اختیار داشت و می‌توانست آن را واگذارد، در ازای واگذاری آن نیز می‌توانست مبلغی به صورت خراج بگیرد.

۳. از خراج می‌توان در واگذاری و اجاره دیگر اموال دولتی نیز استفاده کرد. گرچه از مجموع کتاب‌های فقهی استفاده می‌شود که خراج به مالیات بر اراضی اختصاص دارد و شامل اجاره دیگر اموال دولتی نیست، انحصار این معنا هم استفاده نمی‌شود. افزون بر آن ملاک واگذاری اراضی دولتی به بخش خصوصی در ازای خراج در واگذاری دیگر اموال دولتی هم وجود دارد و می‌توان خراج را اعم از هر نوع واگذاری اموال دولتی دانست. همچنین می‌توان مبلغ مأخوذ در ازای واگذاری دارای غیر زمین را شبه خراج نامید یا آن که از خراج به صورت الگویی برای درآمد دولتی حاصل از واگذاری دارایی دولتی استفاده کرد، همان‌طور که می‌توان از کیفیت وضع خمس و مالیات، اصولی را استفاده کرد و از آن برای کیفیت وضع مالیات‌های دولتی بهره برد.^۱

۴. خراج، جزو بیت‌المال است و به تشخیص حاکم اسلامی برای مصارف عمومی صرف می‌شود زیرا زمین‌های عمومی یا در ملکیت مسلمانان است و باید درآمد ناشی از آن تحت نظارت حاکم اسلامی برای عموم مسلمانان صرف شود یا در ملکیت امام قرار دارد و درآمد ناشی از آن نیز به ملکیت امام می‌آید و امام نیز اموال مذکور را برای مصارف عمومی و مصالح ملت و دین هزینه می‌کند.

۵. درآمد ناشی از خراج در دوره اسلامی بسیار زیاد بوده و بخش مهم بودجه دولت از آن تأمین می‌شده است. رواج کشاورزی و درآمدزایی آن در مقایسه با دیگر بخش‌ها باعث اتکای دولت‌ها به مالیات درآمد کشاورزی شد. امروزه بر عکس، بخش کشاورزی نیازمند کمک دولت‌ها است. دولت‌ها برای حفظ کشاورزی انواع حمایت‌ها و تشویق‌ها از جمله معافیت مالیاتی را در این بخش اعمال می‌کنند؛ بنابراین، خراج به همان شیوه پیشین نمی‌تواند تأمین‌کننده بودجه دولتی باشد.

۶. واگذاری زمین‌های عمومی به افراد و گرفتن بخشی از درآمد آن به صورت خراج، افزون بر زمینه اشتغال‌زایی، تصدی دولت را کاهش می‌دهد. دولت به جای استفاده مستقیم از زمین و کشت آن به وسیله

^۱ - بررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران براساس الگوی مالیات‌های اسلامی.

عوامل خود و تمرکز در تولید از توان بخش خصوصی در اداره زمین‌ها استفاده، و ضمن کاهش هزینه‌های دولت، درآمد مناسبی را کسب و در امور مورد نیاز جامعه صرف می‌کند.

۷. در تعیین خراج و کیفیت اخذ آن، به وضعیت کشاورز و تولید کننده توجه می‌شود. امیرمؤمنان به مالک دستور می‌دهد که مبدا توجه اصلی خود را به جمع‌آوری خراج معطوف سازد؛ بلکه بیش از توجه به جمع‌آوری خراج، باید به گونه‌ای تصمیم بگیرد که هدف اصلی سیاست‌گذاری دولت در امر خراج، آبادی زمین و بهبود وضع خراج‌دهنده باشد. در حالتی که وضعیت تولید وخیم است و کم‌آبی، آفت، کمی باران، فساد بذر و سختی بر مردم روی آورده، باید از مقدار خراج کاسته شود تا تغییر وضعیت آنان با سرعت بیشتری رخ دهد و از هزینه و رنج مردم کاسته شود و دوره رونق تجدید شود و زمینه بهبود پرداخت خراج فراهم آید.^۲ بنابراین، نحوه گرفتن خراج نباید مانع رشد اقتصادی و انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری شود و در وضعیت رکود اقتصادی باید تخفیف‌های مناسب در نظر گرفت تا مردم در سال‌های بعد رغبت بیشتر و توان بالاتری برای ادای خراج کسب کنند.^۳ مقدار خراج باید با رعایت توانایی افراد باشد و از سختگیری و ستم پرهیز شود و نباید مردم در ادای خراج و مقرری دولت به فروش اموال و دارایی‌های مورد نیاز خود وادار شوند.^۱ دولت در وضعیتی هم می‌تواند از گرفتن خراج خودداری کند و با معافیت خراج مشکل تولید کنندگان را برطرف سازد.

۸. امکان تغییر نرخ خراج در حالت‌های گوناگون، ابزار مناسب سیاست‌مالی را در اختیار دولت اسلامی قرار می‌دهد. گفته شد که نرخ خراج در زمان‌های گوناگون ثبات نداشت و تغییرهای مهمی را به خود دید. بر خلاف نرخ خمس و زکات که ثابت است و امکان اجرای سیاست مالی با آن نیست، امکان تغییر نرخ خراج، کمبود ابزار سیاست مالی را برطرف می‌سازد و دولت بر حسب وضعیت می‌تواند سیاست‌گذاری مالی را اعمال کند.

۹. افزون بر زمین‌های آباد مفتوحه العنوه و زمین‌های صلحی و فیه که دولت در ازای واگذاری از آن خراج می‌ستاند، اموال عمومی متعددی در اختیار دولت اسلامی است. انفال، شامل زمین‌های موات، زمین‌های رها شده، معادن، آب‌ها، سواحل دریا، رودها، نزارها، کوه‌ها و دره‌ها در اختیار و ملکیت دولت

^۲ - نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۶.

^۳ - دولت و سیاستهای اقتصادی، ص ۳۷۰.

^۱ - بیت‌المال، ص ۴۰۸.

اسلامی است و دولت می‌تواند بر حسب موقعیت‌های خاص در اختیار بخش خصوصی قرار داده بخشی از درآمد آن را همانند خراج اخذ کند. البته در کلمات فقیهان درباره اجرت زمین در ازای اقطاع اراضی موات تصریحی وجود ندارد و گفته شده اراضی موات پس از احیا به ملکیت احیا کننده در می‌آید؛ ولی دلیل محکمی بر عدم امکان اخذ خراج از اقطاع پس از احیای آن موجود نیست زیرا زمین‌های موات و کیفیت واگذاری و اذن در تصرف در اختیار دولت اسلامی است. بنابراین، دولت می‌تواند با در اختیار نهادن زمین موات و غیر آن، زمینه آبادی آن را فراهم سازد و با حفظ اولویت احیا کننده، بخشی از درآمد آن را به صورت اجاره زمین اخذ کند.^۲ اشکال اساسی قابل طرح این است که با احیای اراضی موات و معادن به ویژه معادن باطنی بر اساس «من احیی ارضا میتة فهی له»، محیی، مالک زمین می‌شود. بنابراین، با مالک شدن او معنایی برای اجرت زمین وجود ندارد. در پاسخ می‌توان گفت: احیا فقط حق اولویت را درباره زمین ایجاد می‌کند و داشتن حق اولویت، با پرداخت اجرت زمین منافات ندارد،^۳ و با توجه به این که استفاده از تمام زمین‌های موات، معادن و ... دست کم در زمان بسط حکومت دینی مشروط به اذن حاکم و دولت اسلامی است، دولت می‌تواند در متن قرارداد شامل اجازه استفاده و احیا به بخش خصوصی، عدم ملکیت منابع را تصریح کند تا بتواند از منابع مذکور خراج بگیرد.

۱۰. در طول تاریخ، زمین‌های خراجیه، درآمدزایی بسیار برای دولت‌ها داشت اما به تدریج موقعیت آن زمین‌ها از بین رفت. با جا به جایی افراد، ایجاد شهرهای جدید، تغییر کاربری بسیاری از زمین‌ها، وقوع حوادث ناگوار مثل سیل، زلزله ...، شواهد و قراین مبنی بر تعیین زمین‌های خراجیه از بین رفت. تعیین زمین خراجیه نیازمند علم، اطمینان و شهرت مفید اطمینان شهادت است. متأسفانه امروزه فقط می‌توان به نقل‌های تاریخی بسنده کرد و با توجه به اختلاف نقل‌کننده‌ها نمی‌توان از آن طرفی بست. حتی در مورد زمین‌های عراق که مشهور است از اراضی مفتوحه‌العنوه به شمار می‌آید، با بررسی شواهد تاریخی معلوم می‌شود اراضی آباد فتح شده که به ملکیت مسلمانان درآمده، از مساحت عراق فعلی کم‌تر است^۱ و از آن‌جا که طبق ادله فقهی، زمین موات فتح شده به ملکیت امام در می‌آید و به صورت انفال باقی خواهد ماند و در صورت احیای مردم مسلمان به ملکیت آنان درآمده است، نمی‌توان از این اراضی خراج گرفت و

^۲ - دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج ۳، ص ۳۶۳ و ۴۸۸ و ۴۹۴: اقطاع و حقوق تقسیم اراضی دولتی، ص ۶۹

^۳ - اقطاع و حقوق تقسیم اراضی دولتی، ص ۶۱-؛ زمین و متعلقات آن، ص ۷۰ و ۱۰۵.

^۱ - کتاب البیع، ج ۳، ص ۷۵.

با توجه به این که زمین‌ها در اختیار مسلمانان است و احتمال صحت ملکیت آنان وجود دارد می‌توان آثار ملکیت آنان را مترتب کرد.^۲ در دیگر اراضی هم نشانه خراجی بودن نمانده است؛ بنابراین، نمی‌توان به خراج زمین‌های مفتوحه العنوه یا صلحی در گذشته دل بست؛ بلکه دولت می‌تواند زمین‌های موات یا معادن و غیر آن را در ازای اخذ مبلغی با عنوان خراج واگذارد. در واقع، امروزه مصادیق موضوع خراج در صدر اسلام برای ما مجهول است و لازم است برای احیای خراج به واگذاری دیگر دارایی‌ها تکیه کرد.

^۲ - همان: ص ۷۷.

د- جزیه:

۱- جزیه مالیات ویژه ای است که از اهل کتاب ساکن در سرزمینهای اسلامی (یهود، نصاری، مجوس) دریافت می شود. دولت اسلامی در برابر حفظ جان و مال این افراد، آنان را متعهد به پرداخت این مالیات می کند. هر مسلمان که در کشور اسلامی است زکات، خمس، خراج یا مالیات دیگری می پردازد ولی اهل کتاب که شامل پیروان ادیان مسیحی، یهودی، زردشتی هستند با قبول برخورداری از حکومت اسلامی و زندگی تحت حمایت آن می بایست مالیاتی به دولت بپردازند تا دولت از مال و جان آنها حمایت کند و امنیت آنها را تأمین سازد. آنها در عوض زکات و خراج، جزیه پرداخت می کنند.^۱

۲- جزیه می تواند به صورت مالیات سرانه قرار داده شود و از هر نفر مرد بالغ از اهل ذمه سالانه مبلغی دریافت شود و نیز می تواند به صورت مالیات بر اراضی آنها قرار گیرد، به این صورت که زمینهای صلح در ملکیت آنها باقی بماند و سهمی از محصول را به عنوان جزیه پرداخت کنند.^۲ زنان، بچه ها، دیوانگان، فقراء از جزیه معافند.^۳

۳- مقدار جزیه بستگی به صلاحدید حاکم اسلامی و رعایت حال مؤدیان دارد. ممکن است بر حسب درآمد افراد آنها را طبقه بندی کند و از هر گروه مقداری جزیه بگیرد.^۴ ممکن است در ضمن شرایط جزیه کمک به رزمندگان اسلام و پشتیبانی مالی از آنان قرار گیرد. کم و کیف این شرائط در هر زمانی متفاوت است. حاکم اسلامی باید با لحاظ تمام شرایط اجتماعی و سیاسی این قراردادها را تنظیم کند. در شرایط حاضر که قوانین مالیاتی کشور برای همه ادیان یکسان است، طرح جزیه به عنوان مالیات جداگانه چه بسا مسائل ناگواری را بدنبال داشته باشد.

۴- اهل کتاب با پرداخت جزیه از پرداخت دیگر مالیاتها و از شرکت در جنگ با بیگانه معاف هستند و وظیفه دولت تأمین مالی و جانی آنهاست.

۵- از آنجا که جزیه و مقدار آن دائر مدار تشخیص دولت اسلامی و رعایت مصلحت است، حاکم می تواند در دوران جدید به جای جزیه همان مالیاتهای حکومتی مرسوم را اخذ کند. در قانون اسلامی جمهوری اسلامی ایران از جزیه نامی برده نشده و روابط قدیم میان اهل ذمه و دولت مدنظر قرار نگرفته است. این

۱ - دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج ۳، ص ۳۷۳.

۲ - همان، ص ۳۶۳، ۴۳۷-۴۳۳.

۳ - همان، ص ۴۱۹ و ۴۲۴.

۴ - وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

امر مختص جزیه نیست. احکام متعدد قضایی و جزایی نیز وجود دارد که دولتها در مورد پرداخت دیه، ارث و غیر آن می‌تواند با توجه به شرایط اجتماعی و قوانین مورد پذیرش دولتها در سطح بین‌الملل و رعایت مصالح عالیه دینی تصمیم‌گیری کند. در هر صورت، مقدار جزیه چندان قابل اعتنا نیست و در مجموع بیت‌المال بود یا نبود آن خلل مهمی ایجاد نمی‌کند.

هـ- انفال

بخش مهمی از منابع مالی طبیعی و غیر آن به عنوان انفال در ملکیت دولت اسلامی است.

۱- انفال عبارتند از:

- ۱- زمینهایی که بدون جنگ و خونریزی به تملک مسلمانان درآید - چه اهل آن کوچ کنند و زمین را رها کنند و چه آن را به مسلمانان تسلیم کنند.
- ۲- زمینهای موات
- ۳- زمین بی‌صاحب چه قبلاً آباد بوده و مالک داشته و آن را رها کرده است یا صاحبان آن به بلای طبیعی هلاک شده اند و چه آباد بوده و مالک نداشته باشد مثل جنگها.
- ۴- قتل کوهها، دره‌ها، نیزارها
- ۵- سواحل دریا
- ۶- قطایع و صفایا و خالصجات پادشاهی و اشیاء قیمتی که در کاخ‌های سلطنتی است. این امور جزو انفال است.
- ۷- اموال نفیس که در میان غنائم جنگی است که به آن صفوالمال گویند. شمشیر زیبا، زره نفیس، مرکب زیبا، از جمله آن است. احادیث متعدد بر آن دلالت دارد.^(۱)
- ۸ - کلیه غنائمی که در جنگ بدون اذن امام به دست مسلمانان برسد
- ۹- معادن: در قانون اساسی ایران در اصل ۴۵ نیز معادن جزو انفال و در ملکیت دولت اسلامی است.^(۲) ارزش معادن بسیار زیاد است. اگر در ملکیت دولت باشد از ایجاد انحصار و مالکیت گسترده برای افراد خاص که توانایی بهره‌برداری از معادن را دارند جلوگیری می‌کند.
- ۱۰- میراث کسانی که وارث ندارند. امام و حاکم اسلامی وارث کسی است که وارث ندارد. و اموال و

۱ - همان، ج ۶ ص ۳۵۶ و ۳۷۳ و ۳۶۵ و ۳۶۹ و ۳۷۱.

۲ - همان و کتاب البیع، ج ۳، ص ۲۵ و همان، استفتانات، ج ۲، ص ۵۸۸ و ۵۸۹.

دارایی به جا مانده از چنین کسی به دولت می‌رسد.

۱۱- دریاها و رودخانه‌های بزرگ همچنین فضا و جو، گرچه مالکیت این امور در زمانهای قدیم مطرح نبوده ولی امروزه این امور از مهمترین اموال است.

۲- انفال که شامل عمده ثروتهای طبیعی است، برطبق نظر فقه شیعه جزو املاک دولت اسلامی است و تصرف در آن منوط به اذن حاکم شرعی است. حاکم شرعی باید براساس مصلحت جامعه تصمیم‌گیری کند و از این اموال بهره‌برداری بهینه نماید

۳- مالکیت دولتی انفال باعث بزرگی دولت اسلامی نمی‌شود. وظایف دولت در بعد حاکمیتی و سیاستی امری لازم است ولی لازم نیست دولت به علت مالکیت بر منابع، تولید کالاهایی را که از مواد طبیعی استفاده می‌کند خود به عهده گیرد. تصدی‌گری لازمه مالکیت نیست.

و- عشور

عشور در فقه اسلامی به اموالی اطلاق می‌شود که از غیرمسلمانان برای ورود کالاهای تجاری به کشور گرفته می‌شود هرچند مقدار آن کمتر از $\frac{1}{10}$ ارزش آن باشد. باتوجه به مصلحت جامعه و حمایت از بازار داخلی و نفوذ قوانین و مقررات، حاکم می‌تواند در مورد ورود و خروج کالای تجاری مقررات خاص وضع کند و براساس نوع برخورد غیرمسلمانان با مسلمانان و شرایط خاص مالیات بر ورود کالا قرار دهد.

آنچه که گذشت نشان داد که دولت اسلامی اولاً، دارایی‌ها و ثروتهای متعددی را در اختیار دارد که کیفیت بهره‌برداری و استفاده از آن را تعیین می‌کند. ثانیاً، درآمدها را از طرق مختلف مثل زکات، خمس، جزیه، خراج، عشور بدست می‌آورد. خراج به مانند اجاره زمینهای دولتی است. جزیه امروزه قابل استفاده نیست. عشور همانند عوارض گمرکی و تعرفه‌های تجاری است. نرخ عشور قابل تغییر است ولی زکات و خمس معمولاً نرخ ثابت دارند. این درآمدها به غیر از مالیاتهای حکومتی است. هم چنین گاه دولت مجبور به استقراض می‌گردد.

دوم- مقایسه مالیاتهای اسلامی و مالیاتهای مرسوم

مالیاتهای مرسوم معمولاً به دو نوع مالیات مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. مالیات مستقیم توسط مالیات دهنده پرداخت می‌شود ولی در مالیات غیرمستقیم پرداخت‌کننده واقعی مالیات با پرداخت‌کننده مبلغ مالیات به دولت متفاوت است. مثلاً مالیات بر درآمد مالیات مستقیم است چرا که از حقوق و دستمزد مؤدی مالیات پرداخت می‌شود ولی در مالیات غیرمستقیم مالیات به قیمت کالا اضافه می‌شود، خریدار کالا قیمت کالا را به فروشنده می‌پردازد، ولی بخشی از قیمت مالیاتی است که فروشنده باید به دولت بدهد.

جدول (۱) انواع مالیاتهای حکومتی

<p>۱- حقوق ورودی (مالیات و سود بازرگانی و اردت خودرو، مالیات و اردت سایر کالاها...) ۲- سایر</p>	<p>مالیات بر واردات</p>	<p>۱- اشخاص حقوقی دولتی ۲- اشخاص حقوقی غیردولتی</p>	<p>مالیات بر حقوق دولتی</p>	
<p>۱- فرآوردههای نفتی ۲- نوشابه‌های غیرالکلی ۳- فروش سیگار ۴- نقل و انتقالات اتومبیل ۵- درآمد حاصل از اصلاح قیمت سوخت ۶- عوارض بهینه‌سازی مصرف انرژی ۷- سایر</p>	<p>مالیات بر کالا و خدمات</p>	<p>مالیات غیرمستقیم</p> <p>۱- حقوق ۲- مشاغل ۳- مستغلات ۴- مالیات متفرقه</p>	<p>مالیات بر درآمد</p>	<p>مالیات مستقیم</p>
		<p>۱- مالیات بر ارث ۲- نقل و انتقالات و سرقطی ۳- حق تمبر و چک و برت و سفته و... ۴- سایر</p>	<p>مالیات بر وزن</p>	

براساس نظام مالیاتی ایران انواع مالیات چنین است:

انواع مالیات مستقیم عبارتند از مالیات بر شرکتهای، مالیات بر درآمد، مالیات بر ثروت و انواع مالیات غیرمستقیم عبارتند از مالیات بر واردات، مالیات بر کالاها و خدمات.

مالیات بر شرکتهای عبارت است از مالیات بر شرکتهای دولتی و غیردولتی.

مالیات بر درآمد عبارت است از مالیات بر مجموع حقوق (خصوصی و عمومی)، مالیات بر درآمد مشاغل، مالیات بر درآمد مستغلات و متفرقه.

مالیات بر ثروت عبارت است از مالیات بر ثروت اتفاقی، ارث، نقل و انتقالات و سرقتی، حق تمبر و چک و برات و سفته و سایر موارد.

مالیات بر واردات عبارت است از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و سایر.

مالیات بر کالا و خدمات عبارت است از مالیات بر فرآوردههای نفتی، نوشابههای غیرالکلی، نقل و انتقالات اتومبیل، سیگار. درآمد حاصل از اصلاح قیمت حاملهای انرژی، عوارض بهینه‌سازی مصرف انرژی و سایر موارد است.

جدول (۲) مقایسه منابع مالی اسلام با انواع مالیاتها

سایر درآمدهای دولتی	مالیات بر پس انداز یا سود سپارانه	مالیات سرانه	مالیات بر کالا و خدمات	مالیات بر واردات	مالیات بر ثروت ارزش نقل و انتقالات و...)	مالیات بر درآمد	مالیات بر شرکتها	نوع مالیات درآمد دولت اسلامی
					*			زکات انعام
								زکات غلات
					*			زکات نقدین
								زکات فطره
								خمس غنائم جنگی
								خمس کنز
								خمس معین
								خمس غوص
								خمس مال مخلوط به حرام
					*			خمس زمین فروخته شده به ذمی
	*							خمس منفعت و فوائد کسب
					*			خمس ارث غیر مترقبه
								جزیه
				*				عشور
*								خراج

در درآمدهای مالیاتی اسلامی زکات بر انعام و نقدین مالیات بر ثروت است و زکات غلات مالیات بر درآمد کشاورزان است. در خمس، خمس غنائم جنگی به صورت اتفاقی است و نمی توان در تقسیم بندی معمول آن را جا داد گرچه از نوع مالیات بر درآمد است. خمس گنج نیز مشابه غنائم جنگی از نوع مالیات بر درآمد است. این دو چون از نوع حقوق و مشاغل و مستغلات نیست، جزو

متفرقه قرار می‌گیرد. خمس غوص (ثروت‌های دریایی استخراج شده) اگر به صورت شغل افراد باشد جزو مشاغل قرار می‌گیرد و خمس آن از نوع مالیات بر درآمد است. خمس مال مخلوط به حرام از نوع مالیات بر درآمد است. خمس معدن از نوع مالیات بر درآمد مشاغل است. خمس زمین فروخته شده به ذمی از نوع خمس بر نقل و انتقال ثروت است اما خمس منفعت کسب و فوائد از آنجا که هزینه سالیانه کسر می‌شود، به پس‌انداز متعلق می‌گردد گرچه اصل آن درآمد بوده ولی با کسر هزینه سالیانه تبدیل به پس‌انداز می‌شود. این نوع مالیات در ضمن مالیات‌های دولتی نیست. اگر پس‌انداز را برابر با سرمایه‌گذاری بدانیم، در واقع خمس منفعت کسب نوعی مالیات بر مقدار سرمایه‌گذاری است. از این رو، قراردادن خمس بر ربح کسب جزو مالیات بر درآمد که نظری و گیلک حکیم‌آبادی انجام داده‌اند، به نظر صحیح نیست.^(۱) اگر ارث غیرمترقبه به شخص برسد، طبق نظر تعدادی از فقهاء مشمول خمس شده و جزو مالیات بر ثروت ارث قرار می‌گیرد ولی ارث معمولاً مشمول مالیات خمس نمی‌شود.

جزیه از آنجا که معمولاً براساس نفقات است (فرد بالغ) و در ازای هر فرد مبلغ یا کالایی پرداخت می‌شود را نمی‌توان در تقسیم‌بندی مالیات مستقیم و غیرمستقیم قرارداد و نوعی مالیات سرانه است. عشور همانطور که گذشت از نوع مالیات غیرمستقیم بر واردات کالا است.

خراج اجاره زمینهای دولتی است که همانند درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت دولت است که جزو سایر درآمدهای دولت قرار می‌گیرد.

از جدول فوق معلوم شد در مالیات‌های اسلامی از مالیات درآمد مستقیم بر شرکت یا مالیات غیرمستقیم بر کالا و خدمات اثری نیست. فقط عشور جزو مالیات‌های غیرمستقیم است و تمام موارد خمس و زکات مالیات مستقیم هستند: ۶ مورد مالیات بر درآمد و ۴ مورد مالیات بر ثروت. یکی از موارد مهم که خمس منفعت است، متفاوت از مالیات مرسوم و به عنوان مالیات بر پس‌انداز مطرح است. جزیه هم که از انواع مالیات بر سرانه است.

امروزه مالیات‌های غیرمستقیم روز به روز جایگاه بیشتری در اقتصاد پیدا کرده است به گونه‌ای که مالیات بر ارزش افزوده در صورت وجود امکانات فنی و آماری مورد استقبال قرار گرفته است با اینکه در

^۱ - رک به: نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، ص ۴۸-۴۹.

مالیتهای اسلامی مشابهای ندارد. همچنین باید توجه کرد که درآمد شرکتها و نهادهای حقوقی به جهت شرایط عقل و بلوغ و تکلیف در مؤدی خمس و زکات و عبادی بودن آن متعلق خمس و زکات نیست. البته قسمتی از سود شرکتها که به صاحبان سهام می‌رسد - برحسب شرایط - متعلق خمس و زکات می‌شود مثلاً سود سهام شرکت‌های صنعتی به هر میزان باشد جزو منفعت کسب قرار گرفته و در صورت زیاد شدن از سال، متعلق خمس است. و سود شرکت‌های کشاورزی که در زمینه کشت غلات اربعه یا پرورش دام فعالیت می‌کند، پس از تقسیم هر فرد در صورت رسیدن به حد نصاب و داشتن شرایط بقا یکسال انعام در ملک صاحبان سهام متعلق زکات است ولی درآمد شرکتها متعلق هیچ یک از مالیتهای ثابت اسلامی نیست.

و این ممکن است نقص مهمی را به مالیتهای ثابت اسلامی متوجه کند چرا که امروزه نهادهای مالی که دارای شخصیت حقوقی هستند مثل بانکها، کارخانه‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های حمل و نقل کشتیرانی، شرکت‌های خدماتی، سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز و شرکت‌های حفاری معادن جایگاه مهمی در اقتصاد دارند و گردش مالی آنها بسیار زیاد و درآمد فراوانی را به خود اختصاص می‌دهند ولی از کمند مالیات ثابت اسلامی خارج هستند. این امر محتاج تحقیق بیشتر و فتاوی مراجع در این خصوص است

سوم - اثر مالیات بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی

در مباحث بخش عمومی معمولاً اثر مالیات بر متغیرهای مختلفی مثل عرضه نیروی کار، پس انداز، سرمایه‌گذاری، مصرف، بررسی می‌شود. هر یک از این متغیرها اثر بسیار مهمی بر جریان اقتصادی دارد و اثر منفی یا مثبت مالیات بر هر یک باعث تغییر وضعیت اقتصادی می‌شود. برای بررسی اثر مالیات بر سرمایه‌گذاری باید اثر مالیات بر عوامل موثر بر آن معلوم شود. عوامل متعددی که بر سرمایه‌گذاری موثر است بر حسب مکاتب اقتصادی متفاوت است. عوامل فوق به طور کلی عبارتند از: پس انداز، سود، نرخ بهره، نرخ بازدهی داخلی، امنیت اقتصادی در ابعاد مختلف و... از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری ودوام آن رشد اقتصادی و زمینه ساز رفاه عمومی است. از عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری آنچه بر آن مالیات وضع می‌شود پس انداز، سود و نرخ بهره است. در نظام اسلامی نرخ سود به جای نرخ بهره است. ما ابتدا اثر

مالیات اسلامی را بر پس انداز و سود بررسی کرده و سپس بر سرمایه گذاری می سنجم . این نکته باید مد نظر قرار گیرد که دولت اسلامی در کنار مالیات های اسلامی می تواند در شرایط خاص از مالیاتهای مرسوم حکومتی هم بهره گیرد و نیازهای مالی خود را برطرف کند. بنابراین، اثر مالیات بر متغیرها در مباحث بخش عمومی ممکن است عیناً در ادبیات اقتصاد اسلامی هم پیاده و مورد قبول قرار گیرد. البته اگر در این امر رفتار فرد مسلمان در واکنش به مالیات به جهت برخی ارزشهای دینی متفاوت باشد، اثر مالیات حکومتی هم متفاوت می شود.

الف - اثر مالیات بر پس انداز

برای بررسی اثر مالیات بر پس انداز می توان اثر آن را بر مصرف مد نظر قرارداد چون درآمد یا مصرف می شود و یا پس انداز؛ با بررسی اثر مالیات بر مصرف اثر آن بر پس انداز معلوم می شود. پس انداز مقدار درآمدی است که از سال جاری برای آینده می ماند. با فرض اینکه ارث نباشد، تمام درآمد دوره اول و دوم با مصرف دو دوره برابر است و فردی که مطلوبیت خود را با مصرف دو دوره حداکثر کند قید آن برابری تمام درآمدها و مصارف است:

$$Y=C+S$$

$$U=U(C_1, C_2)$$

$$C_1=Y_1-S$$

$$C_2=Y_2+(1+t)S$$

$$C_1 + \frac{C_2}{1+r} = y_1 + \frac{Y_2}{1+r}$$

با حداکثر سازی به رابطه نسبت نرخ نهایی جانشینی مصرف حال برای آینده برابر با $(1+r)$ می رسیم:

$$\frac{\partial u}{\partial c_2} / \frac{\partial u}{\partial c_1} = \frac{1}{1+r}$$

در کتابهای بخش عمومی انواع مالیات بر درآمد ناشی از کار، مالیات سرانه، مالیات بر r و یا هر نوع درآمد و یا مالیات بر مصرف را بررسی کرده و نشان می دهند که تنها مالیاتی که می تواند نسبت فوق را

تغییر دهد مالیاتی است که r را متأثر کند و باعث بروز اثر جانشینی بین $C1$ و $C2$ شود. وجود اثر جانشینی باعث تغییر یافتن مقدار مصرف هر دوره پس انداز می شود و رابطه به صورت زیر در می آید:

$$\frac{1}{1+r(1-t)}$$

نظری و گلایک حکیم آبادی اثر خمس بر درآمد (کار و سرمایه) را به صورت زیر نشان داده اند:

$$C1=Y1-(Y1-C1) t_k -S$$

t_k نرخ خمس است.

$$(1-t_k)C1=Y1(1-t_k)-S \Rightarrow C1=Y1-\frac{S}{1-t_k}$$

$$C2=Y2+S+r S -(Y2+iS-C2)t_k$$

$$(1-t_k)C2=Y2(1-t_k)+S(1+r(1-t_k))$$

$$C2=Y2+S\frac{(1+r(1-t_k))}{1-t_k} \Rightarrow \frac{S}{1-t_k} = \frac{c2}{1+r(1-t)} - \frac{y2}{1+r(1-t)}$$

$$C1=Y1-\frac{c2}{1+r(1-t)} + \frac{y2}{1+r(1-t)}$$

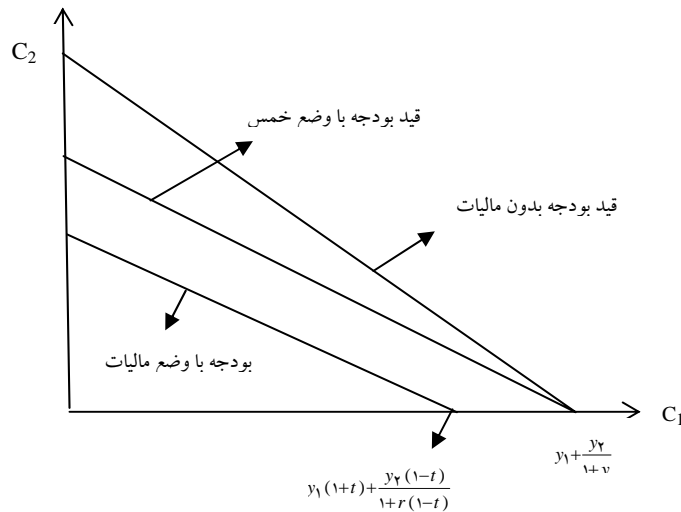
$$C1+\frac{c2}{1+r(1-t)}=Y1+\frac{y2}{1+r(1-t)}$$

ضمناً اثر درآمدی خمس بر روی پس انداز نسبت به مالیات بر درآمد کمتر است چون کل درآمد دوره اول مشمول خمس نیست و فقط به پس انداز آن خمس تعلق می گیرد. نمودار زیر آن را نشان می دهد:

^۱. رک به:

Sandmo.Agnar.the Effects of Taxation on Savings and Risk Taking –pp265-271

و پژوهان، جمشید، اقتصاد بخش عمومی ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۹، جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی، ص ۱۰۲.



بر این اساس، اگر نرخ مالیات با نرخ خمس یکسان باشد، $\frac{dc2}{dc1}$ در دو حالت برابر می شود و اثر جانشینی هر دو یکسان است. اگر نرخ مالیات بیش از خمس باشد، نرخ نهایی جانشینی در خمس بیش از نرخ نهایی جانشینی مالیات خواهد بود. در این صورت، با کاهش یک واحد از مصرف حال امکان مقدار مصرف (پس انداز) بیش تری در زمان آینده فراهم می شود. البته نسبت به وضع قبل از مالیات و خمس، مالیات به نفع مصرف حال و به ضرر پس انداز در آینده است ولی در خمس این نفع و ضرر نسبت به مالیات کمتر است^۱.

در مورد اثر زکات بر پس انداز گفته شده که ثروت عامل موثر بر پس انداز است، با فرض اینکه شخص دارای ثروت است و بین دوره مصرف تصمیم گیری می کند؛ در دوره اول از ثروت استفاده نکند و برای دوره دوم هم فقط پس انداز و ثروت دارد. تابع مطلوبیت به صورت زیر خواهد بود:

$$U=U(C_1, C_2)$$

$$C_1=Y_1-S$$

$$C_2=S(1+r)+W(1+r)$$

$$C_1 + \frac{C_2}{1+r} = y_1 + W$$

با فرض زکات بر ثروت، قید بودجه به صورت زیر در می آید:

^۱ . نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، ص ۱۰۱-۱۰۳.

$$C_1 + \frac{C_2}{1+r} = Y_1 + W(1-t)$$

اگر $\frac{dc_2}{dc_1}$ را در دو حالت حساب کنیم، فرقی ندارد و فقط اثر درآمدی دارد. بنابراین، خمس اثر جانشینی دارد ولی زکات ندارد.^۲

برخی از محققان اثر مالیات اسلامی را بر انتقال درآمد و مصرف کل بررسی کرده اند که آیا انتقال زکات از اغنیاء به فقرا مصرف کل را افزایش می دهد یا خیر. برخی میل نهایی به مصرف طبقات کم درآمد را بیشتر از طبقات پر درآمد دانسته و براساس آن، اثر مثبت مالیات بر مصرف را اثبات کرده اند و برخی بالعکس.^۳ از آنجا که این بحث به اقتصاد کلان مرتبط است نه اثر مالیات بر مصرف دو دوره تا اثر آن بر پس انداز فرد مشخص شود از پی گیری آن خودداری می کنیم. البته اگر مالیات باعث کاهش پس انداز طبقات پر درآمد شود، با انتقال آن به طبقات کم درآمد و مصرف آن، پس انداز کل کاهش می یابد. در مورد اثر مالیاتهای اسلامی بر پس انداز نکات زیر را مطرح می کنیم:

۱- اگر بخواهیم خمس را در روابط ریاضی نشان دهیم، متفاوت از آن چیزی است که نظری و گلیک حکیم آبادی مطرح کرده اند زیرا

$$U=U(C_1, C_2)$$

$$S=Y_1-C_1$$

$$K=t_k S=t_k (Y_1-C_1)$$

$$C_1=Y_1-S$$

^۲ همان، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

^۳ رک به: لشکری، علیرضا، نظام مالیاتی اسلام، ص ۱۷۰-۱۷۲ متولی، مختار محمد، التوازن العام والسیاسات الاقتصادیه الکلیه فی اقتصاد اسلامی، اقتصادیات الزکاه، تحریر منذر قحف، ص ۳۱۴-۲۸۰.
الزرقاء، محمد انس، دور الزکاه فی الاقتصاد عامه وفی السیاسه المالیه. اقتصادیات الزکاه ص ۴۳۰-۴۷۰.
درویش، احمد فواد، و زین، محمود صدیق، تأثیر الزکاه علی داله الاستهلاك الکلی فی اقتصاد اسلامی اقتصادیات الزکاه، ص ۱۶۰-۱۴۷.
Iqbal.Munavar.Zakah.Moderation and Aggregate Consumption Funtion in AN Islamic Economy, Economic of Zakah ,pp 111-140.

$$C_2 = Y_2 + (1 - t_k)(1 + r)S$$

$$C_2 = Y_2 + (1 - t_k)(1 + r)Y_1 - C_1(1 - t_k)(1 + r)$$

$$C_1 + \frac{C_2}{(1 + r)(1 - t_k)} = y_1 + \frac{Y_2}{(1 + r)(1 - t_k)}$$

$$L = U(C_1, C_2) - \lambda \left(C_1 + \frac{C_2}{(1 + r)(1 - t_k)} - y_1 - \frac{Y_2}{(1 + r)(1 - t_k)} \right) S.$$

$$\frac{\partial u}{\partial c_1} - \lambda = 0$$

$$\Rightarrow \frac{\partial u}{\partial c_1} / \frac{\partial u}{\partial c_2} = (1 - t_k)(1 + r) \quad \text{یا} \quad \frac{\partial u}{\partial c_2} / \frac{\partial u}{\partial c_1} = \frac{1}{(1 + r)(1 - t_k)}$$

$$\frac{\partial u}{\partial c_2} - \frac{\lambda}{(1 + r)(1 - t_k)} = 0$$

این مقدار از $\frac{1}{1+r}$ بزرگتر است. پس اثر جانشینی هست، ولی نسبت به مالیات اگر $t = t_k$ باشد، اثر جانشینی یکسان است ولی اگر $t > t_k$ باشد، نرخ نهایی جانشینی در مالیات بیش از مالیات معمولی است. یعنی با کاهش یک واحد از مصرف حال تغییر مصرف آینده (پس انداز) بیشتر می شود و این بر خلاف نتیجه ای است که نظری و گیلک حکیم آبادی گرفته اند.

۲- همانطور که قبلا گفته شد، نرخ ثابت مالیاتهای اسلامی مانع اثر منفی آن بر کارایی است و افراد تصمیم گیری خود را تغییر نمی دهند.

۳- خمس بر مصرف وضع نمی شود. خمس ربح کسب بر پس انداز از هر نوع کسب است. و چون به صورت یکسان و با یک نرخ قرار می گیرد، فرد شغل خود را تغییر نمی دهد. از طرفی، وجود خمس بر پس انداز باعث افزایش مصرف نمی شود چون فرد اولاً بیش از مصرف شأنی خود نباید مصرف کند. ثانياً اگر بخواهد خمس نهد باید کل درآمد را مصرف کند و این برای معمول مردم که علاقه به پس انداز دارند صورت نمی گیرد. خمس بر معدن هم نوعی اجاره استفاده از معدن است نه خمس بر درآمد.

۴- زکات بر نقدین در صورتی واجب است که فرد از نقدین در طول سال استفاده نکند. فقط لازم است فرد از نقدین هر چند برای قرض دادن استفاده کند تا زکات به آن تعلق نگیرد. زکات بر دام در آخر سال به شرط استفاده از مراتع تعلق می گیرد و شاید بتوان گفت در این صورت زکات اجاره استفاده از مراتع

عمومی است. علاوه بر اینکه گرچه دارایی فرد را کاهش می دهد ولی چون ثابت است و جنبه عبادی دارد و نرخ آن هم خیلی کم است، در عمل اثری در تغییر تصمیم شخص به ادامه فعالیت دآمداری ندارد. زیرا هر درآمدی مشمول مالیات خواهد شد. زکات بر غلات هم همین حکم را دارد.

ب- مالیات بر سود

مالیات بر سود را در بازارهای رقابتی و انحصاری مورد مطالعه قرار می دهند و نشان می دهند که این مالیات بر کارایی اثر منفی ندارد. نقطه تولید تغییر نمی کند و فقط اثر درآمدی دارد. اگر بر سود تمامی فعالیتهای اقتصادی به یک میزان مالیات بسته شود، جابجایی در فعالیت افراد هم مشاهده نخواهد شد و اگر برخی فعالیت ها از مالیات معاف باشند، بتدریج فعالیتها به سوی آن جهت می یابد.

اگر سود را درآمدی بدانیم که پس از کسر هزینه های تولید اعم از هزینه مواد اولیه، دستمزد و حقوق کارکنان و حقوق و مالیاتهای مرسوم بدست می آید، خمس گرچه شباهتی به آن دارد وی نمی توان خمس ارباح مکاسب را مالیات بر سود دانست بلکه مالیات بر پس انداز است زیرا اولاً خمس به اشخاص تعلق می گیرد نه بنگاه؛ به همین جهت، سود تقسیم نشده بنگاه که در ملکیت شرکت می ماند و بین سهامداران توزیع نمی شود، مشمول خمس نیست. سود تقسیم شده بین صاحبان سهام نیز به عنوان سود مشمول خمس نمی شود بلکه هرگاه از هزینه سالیانه شخص زیاد آمد و عنوان پس انداز گرفت مشمول خمس می گردد. پس خمس بر خلاف دیدگاهی که آن را مالیات بر سود می انگارد،^۱ مالیات بر پس انداز است. خمس بر معدن و کنز و غوص چون هزینه فرصت و دستمزد شخص معدن کار و غواص و یابنده گنج محاسبه نمی شود، سود کامل نیست. علاوه بر آنکه گفتیم خمس معدن نوعی اجاره استفاده از معدن است. در زکات دام و نقدین، موجودی دارایی لحاظ می شود نه درآمد خالص هر سال. بنابراین، از نوع مالیات بر ثروت است که هر سال هم تکرار می شود. زکات بر غلات هم اگر هزینه فرصت و دستمزد مالک به حساب می آمد، از نوع مالیات بر سود می بود. بنابراین، در مالیاتهای اسلامی مالیات بر سود در مواقع خاصی ممکن است شکل بگیرد. در هر صورت، با توجه به نرخ پایین و ثبات آن اثر منفی بر فعالیتهای اقتصادی نمی گذارد.

^۱ . رک به: نظام مالیاتی اسلام، ص ۱۹۰.

با روشن شدن اثر مالیاتها بر پس انداز و درآمد اثر آن بر سرمایه گذاری و بالتبع رشد اقتصادی هم معلوم می شود.

ج- اثر سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی

سرمایه گذاری از عوامل اصلی رشد اقتصادی و افزایش تولید و زمینه ساز رفاه اقتصادی است. دغدغه اصلی نظام های اقتصادی رشد و توزیع است. گروهی از نظام ها تکیه اصلی بر رشد دارند و گروهی بر توزیع. در عین حال، هر دو دسته هر دو امر را عنصر مهمی در شکل دهی نظام اقتصادی می دانند. تحقق رشد اقتصادی نیازمند تحقق عوامل موثر بر آن است. در نظریه های مربوط به رشد اقتصادی عوامل گوناگونی به عنوان عوامل موثر بر رشد بر شمرده اند. مدل رشد نئوکلاسیکی سولو نهاده کار و سرمایه را نهاده تولید در نظر گرفته و رشد را متأثر از انباشت سرمایه می داند. پس انداز تنها عامل انباشت سرمایه است و سرمایه گذاری برابر با میزان پس انداز است. درآمد منهای پس انداز تعداد مصرف را نشان می دهد. تعادل اقتصادی با صفر بودن افزایش خالص موجودی سرمایه به معنای برابری سرمایه گذاری و استهلاک است. بنابراین، به عامل برونی برای رشد اقتصادی نیاز هست و آن پیشرفت فنی است. در این مدل، نرخ رشد در خارج از الگو تعیین می شود و مستقل از ترجیحات ویژگی های تابع تولید و رفتار متغیرهای سیاسی از جمله مالیات است.

در مقابل مدل رشد برونزا، رومر و لوکاس مدل رشد درونزا را مطرح کردند. رشد از طریق بهینه کردن تصمیمات کارگزاران اقتصادی ایجاد می شود و براساس آن، می توان نقش ابزار سیاست مالیاتی را معین کرد. مدل رشد درونزا به چند صورت رشد را مطرح می کند.

۱. مدل AK که سرمایه را تنها نهاده تولید می داند و تابع تولید به صورت $y=AK$ است. رشد

محصول با نرخی برابر با نرخ خالص سرمایه گذاری در موجودی سرمایه تحقق می یابد.

۲. سرمایه انسانی و فیزیکی هر دو در تابع تولید هستند.

۳. تولید به نیروی کار پیشرفت فنی و سایر نهاده ها وابسته است.

۴. بین بنگاهها اثرات خارجی هست و یادگیری از طریق کار صورت می گیرد.

مالیات بر نهاده های تولید بر رشد تولید اثر دارد. در مطالعات نظری در زمینه اثر مالیات بر رشد

اقتصادی کارهای متعددی صورت گرفته است. از آنجا که پس انداز، درآمد، بهره‌وری سرمایه نیروی کار، می‌تواند بر رشد تولید اثرگذار باشد، وضع مالیات ممکن است باعث کاهش سرمایه‌گذاری در مورد سرمایه فیزیکی و نیروی انسانی شده و بالتبع، اثر منفی بر رشد دانسته باشد. برخی از مطالعات تاثیر مالیات بر رشد اقتصادی را بسیار کوچک و برخی بسیار زیاد می‌دانند. از این رو، تحلیل نظری در این مورد مبهم است. شواهد تجربی رابطه اندکی بین نرخ‌های مالیات و نرخ‌های رشد اقتصادی نشان می‌دهد. (ر.ک به جعفری صمیمی و حسن‌زاده جزدانی، ۱۳۸۰) بنابر این، اثر مالیات بر رشد اقتصادی بطور دقیق معلوم نیست و نمی‌توان گفت مالیات بر عوامل تولید مانع رشد اقتصادی می‌شود. در صورت اثبات وجود اثر منفی در مطالعات نظری و تجربی باید گفت که در نظام مالیاتی اسلامی با توجه به مطالب زیر که به عنوان نتیجه گیری مطرح می‌کنیم، اثر منفی مالیات بر سرمایه گذاری و تولید یا به شدت کاهش می‌یابد و یا از بین می‌رود.

نتیجه گیری

- ۱- مالیات اسلامی دارای نرخ ثابت است و به علت دائمی بودن اثر منفی خود را از دست می‌دهد.
- ۲- نرخ کم مالیات اسلامی از ۰٪ تا ۱۰٪ اثر منفی زیادی بر رفتارها ندارد.
- ۳- مالیات در همه مکاتب و کشورها اخذ می‌شود و امر پذیرفته شده‌ای است و فرد نمی‌تواند از مالیات بگریزد.
- ۳- عبادی بودن و حرمت مصرف بیش از شأن و لزوم کار و ارتباط مناسب بین دولت و ملت اثرات مثبت مالیات اسلامی را زیاد می‌کند.
- ۴- سود تقسیم نشده شرکت‌ها از مالیات معاف و برای سرمایه گذاری مفید است.
- ۵- در اخذ خراج شرایط تولید کننده کاملاً مراعات می‌شود.
- ۶- هزینه استهلاک پوشش داده می‌شود و می‌توان بر اساس نرخ‌های مختلف سیاست گذاری کرد.

منابع و مأخذ:

- آذری قمی، احمد، زمین و متعلقات آن، مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی، ج ۲، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش.
- پژوهان، جمشید، اقتصاد بخش عمومی (مالیاتها)، تهران، موسسه تحقیقاتی اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳ ش.
- جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی، تهران، سمت، ۱۳۷۱ ش.
- جعفری صمیمی، احمد و علیرضا حسنزاده جزدانی، پژوهش های اقتصادی تابستان و پاییز ۱۳۸۰ ش.
- حسینی، سید رضا، بیت المال، دانشنامه امام علی (ع)، ج ۷، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- حمزه پور، محمدحسین، صدر سید کاظم، کفای محمدعلی، بررسی مالیات بر شرکت ها در ایران براساس الگوی مالیات های اسلامی فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۰، بهار ۱۳۸۱.
- خامنه ای، سید محمد، اقطاع و حقوق تقسیم اراضی دولتی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱ ش.
- درویش، احمد فواد، زین محمود صدیق، تأثیر الزکاه علی داله الاستهلاك الکلی فی اقتصاد اسلامی، اقتصادیات الزکاه، تحریر منذر قحف، جده، المعهد الاسلامی للبحوث والتدریب، البنك الاسلامی للتنمیة، ۱۴۱۷ ق.
- رضایی، مجید، مالیات های حکومتی: مشروعیت یا عدم مشروعیت، نامه مفید، شماره ۳۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲ ش.
- رضایی، مجید، سعید فراهانی، علی معصومی نیا، نظام مالی دولتهای مسلمانان از ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری، نظام مالی اسلام (مجموعه مقالات) به اهتمام احمد علی یوسفی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- الرضی، الشریف ابوالحسن محمد، نهج البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

- الزرقاء، محمد انس، دور الزکاه فی الاقتصاد عامه وفقی السياسه الماليه. ، اقتصادیات الزکاه، تحریر منذر قحف، جده، المعهد الاسلامی للبحوث والتدريب، البنك الاسلامی للتنمیه، ۱۴۱۷ق.
- قحف، منذر(المحرر) اقتصادیات الزکاه، جده، المعهد الاسلامی للبحوث والتدريب، ۱۴۱۷ق.
- قحف، منذر، مالیه عمومی و خصوصی و سیاست مالی در اسلام، ترجمه محمدتقی گیلک حکیم آبادی، درسهایی در اقتصاد اسلامی، به اهتمام منذر قحف، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۴ش.
- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی، دولت و سیاستهای اقتصادی، دانشنامه امام علی(ع)، ج۷، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- لشکری، علیرضا، نظام مالیاتی اسلام، تهران معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۰ش.
- متولی، مختار محمد، التوازن العام والسیاسات الاقتصادیه الکلیه فی اقتصاد اسلامی، اقتصادیات الزکاه، تحریر منذر قحف، جده، المعهد الاسلامی للبحوث والتدريب، البنك الاسلامی للتنمیه، ۱۴۱۷ق.
- مدرسی طباطبایی، حسین، زمین در فقه اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ش.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
- ----- رساله توضیح المسائل، قم، نشر تفکر، چاپ شانزدهم پ۱۳۷۷ش.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات نجات، چاپ پنجم ۱۳۸۶ ش.
- موسوی الخمینی، السید روح الله، کتاب البیع، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
- نظری، حسن آقا و محمدتقی گیلک حکیم آبادی، نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۲ش.

منابع لاتین

- Iqbal.Munavar.Zakah.Moderation and Aggregate .Consumtion Funtion in AN Islamic Economy .Economic of Zakah .Jedah. IDB, 1997.
- Sandmo.Agnar.the Effects of Taxation on Savings and Risk Taking.Handbook of Public Economic .vol 1.edited by A.J. Auerbach and M . Feldstem .Elsevirr Science Publishers B V .North Holand.1985.